بی بی شهر بانو، افسانه یا تاریخ؟

دارا، مریم

بنابر مستندات تاریخی،مقام زن،همسر و مادر همواره جایگاه‏ و احترام خاصی در ایران داشته است.یکی از زنان ایرانی که جایگاهی‏ عطیم و محترم در ایران دارد،بی‏بی شهربانو(س)است که به روایتی‏ همسر امام حسین(ع)و مادر امام چهارم شیعیان،امام زین العابدین(ع) است.متأسفانه هنوز ناگفته‏های فراوان درباره‏ی این زن عظیم الشأن‏ وجود دارد.در این مقاله سعی شده است روایات و نظریات گوناگون‏ درباره‏ی بی‏بی شهربانو و مزار او بررسی شود و مقام این زن ایرانی‏ معرفی گردد.

اکثر سادات ایران خود را از نسل امام زین العابدین می‏دانند که‏ به قول معروف مادرش،شهربانو دختر یزدگرد آخرین پادشاه‏ ساسانی‏ست و به همین دلیل هم سید ضیاء الدین طباطبایی به شوخی‏ خود را«سید یزدگردی»می‏خوانده است.(باستانی پاریزی،کلاه گوشه‏ی‏ دهقان،284)طبق روایات اسلامی،شهربانو مادر همه‏ی ائمه از نسل‏ امام حسین(ع)است و در اصول کافی(ج 1،ص 467)می‏خوانیم که‏ حضرت علی(ع)خطاب به امام حسین(ع)می‏فرماید:«مواظب او باش و با او نیکی کن که بهترین خلایق را برایت بعد از تو به دنیا می‏آورد.»

این بانوی مطهر ایرانی همیشه مورد توجه شیعیان بوده است و بقعه‏یی در ری بدو اختصاص داده شده است.ملاّ محمد باقر مجلسی‏ در جلاء العیون می‏نویسد:«مادر آن جناب(سید سجاد)شهربانو دختر یزدگرد ابن شهریار،پادشاه عجم بود.»ولی گروهی شهربانو را مادر امام چهارم نمی‏دانند گروهی نیز نام‏های دیگری به جز شهربانو به او نسبت داده‏اند.محققان معاصر با ذکر دلایل و قراین،روایات‏ قدیمی در مورد بی‏بی شهربانو،زندگی،مرگ و محل دفن او را صحیح‏ نمی‏دانند.

اساسا حکایت بی‏بی شهربانو یکی از غوامص مسائل تاریخی‏ ایران اسلامی است و صورت معمایی حل‏ناشدنی به خود گرفته است. مورخانی چون یعقوبی می‏گویند شهربانو،دختر یزدگرد سوم،آخرین‏ پادشاه ساسانی بود که در مرو خراسان متولد شد و تا سنین جوانی در کنار خانواده‏اش در ایران می‏زیست.البته به نظر مری بویس هیچ‏ بنیان تاریخی و روایت کتبی مبنی بر این‏که شهربانو دختر یزدگرد سوم‏ باشد،در دست نیست.حتا گروهی او را دختر شیرویه و برخی دیگر شهربانو را دختر خسرو پرویز دانسته‏اند.

این بانو دارای اسامی متعدد است،ولی شهربانو معروف‏ترین‏ آن‏هاست.در قدیم در زبان فارسی«شهر»به معنی کشور بود و شهربانو معنی«بانوی کشور»داشت.از اسامی دیگر وی می‏توان به‏ جهان شاه،شاه زنان،سلامه،غزاله،فاطمه،مریم و شهرناز اشاره کرد. می‏گویند بعضی از این اسامی را امیر المومنین علی(ع)و ابا عبد الله‏ حسین(ع)برای او برگزیدند که غزاله از آن دسته است.

در سال 21 هجری،سپاه ساسانی در جنگ نهاوند از اعراب‏ مسلمان شکست سختی خوردند.این پیروزی مسلمانان«فتح الفتوح» نام گرفت و در نتیجه،امپراطوری ساسانی در ایران پایان یافت و ملک‏ ساسانی تکه‏تکه شد و تکلیف هر شهر به دست مرزبانی افتاد.یزدگرد سوم که متواری بود،عاقبت در مرو به دست آسیابانی به قتل رسید و می‏گویند دختران او به دست استاندار منصوب از جانب خلیفه‏ی اسلامی، به مدینه روانه شدند.

زمان تشرف این بانو به خدمت امام حسین(ع)کاملا معلوم نیست‏ که آیا در زمان حکومت حضرت علی(ع)،عثمان یا عمر بوده است. چندین روایت در این‏باره وجود دارد.شیخ مفید در کتاب ارشاد روایت‏ کرده است که والی نواحی شرق حکومت اسلامی دو دختر یزدگرد را به مدینه،نزد امیر المومنین فرستاد و ایشان شهربانو را به ابا عبد الله(ع) و کیهان بانو،خواهر شهربانو را به محمد ابن ابی بکر بخشید که از شهربانو،حضرت زین العابدین(ع)و از خواهرش کیهان بانو،قاسم‏ متولد شد.روایت دوم از شیخ صدوق و به نقل از سهل ابن قاسم‏ بوشنجانی در کتاب عیون اخبار الرضا و نیز با استناد به گفته‏ی ابن‏ بابویه است که به نقل از امام رضا(ع)آمده است که دو دختر یزدگرد را به مدینه نزد عثمان آوردند و عثمان شهربانو را به امام حسین(ع)و خواهرش را به امام حسن(ع)بخشید که از شهربانو زین العابدین(ع) متولد شد که هر دو دختر یزدگرد به هنگام تولد فرزندانشان وفات‏ یافتند.در روایت سوم،قطب راوندی،اسارت شهربانو را در مقارن با خلافت عمر می‏داند و این روایت در کتاب خرایج و الجرائج از امام‏ باقر(ع)نقل شده است.دکتر عبد الحسین نوائی به نقل از قابوسنامه

آناهیتا

گفته است که شهربانو،خود حسین ابن علی را برگزید.

در اکثر کتب تاریخی،داستان اسارت شهربانو مقارن با خلافت‏ عمر معرفی شده است و مردم معتقدند که عمر خواست او را چون‏ کنیزی بفروشد،ولی امیر المومنین(ع)مانع او شد و خواست که از دختر او را شوهر دهند و او خود حسین ابن علی را برگزید.هم‏چنین ذکر شده است که خواهر سوم شهربانو،مروارید،نیز از زنانی بود که به عقد مسلمانان درآمد و از او نیز عبد الله ابن عمر زاده شد که از بهترین‏های‏ زمان خود بود.

امام حسین(ع)زنان کمی داشت که اولین آن‏ها شهربانو بود.وی‏ چهار همسر اختیار کرد که از ایشان فرزندانی با نام‏های سکینه خاتون، علی اکبر،فاطمه و جعفر متولد شدند.برخی علی اصغر را نیز فرزند شهربانو می‏دانند که در هنگام واقعه‏ی کربلا هر دو پسر شهربانو حضور داشتند؛علی اصغر شش ماهه بود و سید سجاد بیست و پنج‏ ساله.

در متون تاریخی آمده که با این که شهربانو از بهترین پرورش‏ یافتگان ایران بود و کامل‏ترین تربیت را در وطن‏ خویش دیده بود،نیاز به آن داشت که شخصی‏ او را با زبان و آداب اعراب آشنا کند،ضمن‏ آن‏که آن شخص به زبان ایران تسلط داشته باشد که این شخص سلمان‏ فارسی بود.

شباهت‏های زیادی میان‏ داستان زندگی شهربانو و نرجس‏ خاتون(س)،مادر امام زمان(عج)و همسر امام حسن عسگری(ع) وجود دارد.نرجس کنیزی بود با عفت که قرار بود در بغداد فروخته‏ شود.نام او ملیکه،دختر یشوعا،پسر قیصر روم و مادرش از فرزندان حواریون بود و نسب او به شمعون،وصی عیسی می‏رسید. امام حسن عسگری(ع)این بانو را خریداری کرد و به همسری خویش درآورد.بنابراین،نرجس و شهربانو هر دو شاهزادگانی بودند که به همسری‏ ائمه درآمدند و از پاک‏ترین عروسان خاندان نبوت به شمار آمده‏اند که‏ مادر بهترین‏های اسلام هستند.

درباره‏ی مرقد مطهر شهربانو(س)دیدگاه‏های متفاوتی مجود دارد.بین علما و مورخینی همچون ملاّ محمد باقر مجلسی در جلاء العیون معروف است که حضرت شهربانو به هنگام تولد امام‏ سجاد در مدینه درگذشت و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.برخی‏ گویند که مادر امام سجاد،مدتی بعد از تولد کودک در ماه شعبان از دنیا رفت و در کوفه او را به خاک سپردند.محمد هاشم خراسانی در منتخب التواریخ دو روایت نقل کرده است.یکی این که شهربانو در جنگ کربلا حضور داشت و دیگر اینکه مدت‏ها قبل از این واقعه‏ درگذشته بود.در کتاب معارف اثر ابن قتیبه آمده که شهربانو پس از واقعه‏ی کربلا به صلاح‏دید پسرش،حضرت سجاد(ع)،به ازدواج زید از موالی حسین(ع)درآمد.ابن بابویه به نقل از امام رضا(ع)نقل کرده‏ که شهربانو با تولد امام سجاد درگذشته بود و یکی از کنیزان‏ حسین(ع)،امام سجاد را پروراند که وی آن زن را مادر خطاب می‏کرد. این زن پس از شهادت حسین(ع)به سفارش سجاد(ع)به عقد یکی‏ از شیعیان درآمد.

در تذکره الخواتین آمده و در میان مردم نیز مشهور است که‏ شهربانو در روز عاشورا در کربلا بوده و حسین(ع)به او که از همه‏ تنهاتر بود،سفارش کرده بود که پس از شهادت وی و بازگشتن‏ ذو الجناح،اسب آن حضرت،شهربانو بر آن سوار شود تا او را به جایی‏ که مقّدر شده است برساند.شهربانو چنین می‏کند تا این‏که به حوالی‏ ری به غاری می‏رسد و به درون آن غار می‏رود و غایب می‏شود.

مری بویس افسانه‏یی فولکلوریک نقل کرده است که دشمنان‏ حسین(ع)در پی شهربانو بودند و زمانی به او می‏رسند که به ری‏ نزدیک شده بود و با درماندگی کوشید خدا را بخواند و از او طلب یاری‏ کند ولی به جای«یا هو»،زبان خسته‏اش«یا کوه»را بر زبان آورد.پس کوه به شکل معجزه‏آسایی‏ شکافته شد و او زنده از میان صخره‏ها گذشت و فقط تکه‏یی از چارقدرش از کوه‏ بیرون ماند.دشمنان هنگام شب‏ می‏رسند و تکه‏ی چادر شهربانو را می‏بینند و سه سنگ روی آن، نشان می‏گذارند تا فردا کوه را بشکافند ولی فردا تمام کوه،سه‏ سنگ سه سنگ روی هم گذاشته‏ شده بود و دشمنان نشان خود را گم‏ کردند.هنوز هم زوار بی‏بی،نیت‏ می‏کنند که سه سنگ روی هم بگذارند.

هم‏اکنون در جنوب تهران،بر سر جاده‏ی ورامین،در دامنه‏ی کوهستان شمال‏ امین‏آباد که شعبه‏یی از رشته کوه‏های البرز است، در حاشیه‏ی جنوب شرقی ری کهن،بر فراز صخره‏یی که از دامنه‏ی کوه پیش آمده است،گنبدی‏ مینایی دیده می‏شود که از کهن‏ترین بناهای اسلامی ایران است‏ و مردم آن را«بقعه‏ی بی‏بی شهربانو»می‏نامند.این کوه نیز به مناسبت همین بقعه،«کوه بی‏بی شهربانو»نامیده می‏شود.این بنا تنها بنایی‏ست که از دوران آبادانی شهر ری هنوز آباد مانده است.این‏ بقعه جنبه‏ی تبرک دارد و منسوب به دختر آخرین شاه ساسانی است و چون متعلق به بانویی ایرانی و زوجه‏ی حضرت سید الشهدا(ع)است، نزد ایرانیان و شیعیان دارای حرمت ویژه‏یی‏ست.در این‏جا حفظ سنّت‏ قدیمی ایرانی را با رعایت آداب و قواعد اسلامی به وضوح می‏توان‏ مشاهده کرد.این بنا حتا نزد زردشتیان از حرمت خاصی برخوردار است.

بنای مذکور در سطح متتطیلی 33 در 22 متر قرار دارد که سه طرف آن را دیواری از دوران آل بویه محصور کرده است.این بنا از سنگ و گچ ساخته شده و طاق‏های آن آجری‏ست.بنای اصلی در جبهه‏ی جنوبی قرار دارد و از ساختمان،این‏گونه بر می‏آید که هسته‏ی‏ اصلی آن در دوران ساسانی ساخته شده و در قرن چهارم برای آرامگاه‏ مورد استفاده قرار گرفته و قسمتی نیز به آن افزوده شده است. قدیمی‏ترین ساختمان فعلی زیارتگاه،متعلق به حدود قرن‏ ششم هجری‏ست که بعدها در دوران صفویه و قاجار گسترش یافت. در دوره‏های بعد،این فضا به دو صحن بیرونی و اندرونی یا مردانه و زنانه تقسیم شد.حرم و طاق جنوبی آن از دوران ساسانی و دیوارهای‏ خارجی صحن یادگاری عهد آل بویه و سلجوقیان است.در قرون متأخر، رواق و دیوارها و اطاق‏های محوطه را به شکل بقعه‏ی کنونی ساختند که سقف آن آیینه کاری شده است.در محراب اندرونی زیارتگاه، آرامگاهی‏ست که پیکری را به شیوه‏ی امام‏زاده‏ها در آن دفن کرده‏اند که گویا در نهم کنده شده است و می‏گویند که بقایای شهربانو را در خود دارد.البته احادیث نبوی،نام و القاب حضرت شهربانو در روی‏ صندوق قبر منبت کاری شده است و تاریخ روی آن متعلق به قرن نهم‏ هجری‏ست و قدیمی‏ترین کتیبه‏ی بقعه است.ابعاد این صندوق 78/1 در 97/0 در 98/.است و در جنوب غربی حرم،متصل به دیوار است و کتیبه‏های آن،عموما به خط ثلث و برجسته هستند.در دوران قاجار نیز گچ‏بری و تزئیناتی در این بقعه انجام شد و به جای گنبد آجری‏ ساسانی بنا،گنبد کاشی‏کاری مینایی گذاشته شد.بنابر این همان‏طور که مشاهده کردیم،در طول قرون متمادی،این بقعه مورد توجه و ارادت مردم ازمنه‏ی مختلف بوده است.

در طول سالیان اخیر امور خیریه‏ی شهر ری و بانیان خیرخواه،تعمیرات‏ اساسی در این بقعه انجام داده‏اند.و در سال 1404 قمری،ضریحی بسیار زیبا روی قبر منسوب به بی‏بی شهربانو ساخته و نصب شد.این بنا در فهرست‏ آثار تاریخی ایران با شماره‏ی 256 به ثبت رسیده است.

در کنار مسجد و امام زاده قاری‏ست که در آن تصاویر و شمایل‏ ائمه‏ی اطهار و زوار آرامش می‏بخشد.در این زیارتگاه سنگی،مدخلی‏ کوچک با نوری ملایم،شمع‏های نذر شده برای بی‏بی و نوری که از طریق پیری به داخل می‏تابد،روشنگر قلب‏هاست.مردم با خلوص‏ نیت سنگ ریزه‏هایی را از کف غار جمع می‏کنند و به دیوار می‏زنند و معتقدند که اگر سنگ ریزه به دیوار بچسبد،نیتشان برآورده می‏شود و زمانی که دیواره‏ی غار،سنگ ریزه‏ای را به خود جلب می‏کند،صدای‏ مملو از شادی صاحب حاجت،بر می‏خیزد.

امروزه در روزهای تعطیل،مردم تهران و حومه و افغانی‏های مقیم‏ ری،گاهی پیاده و گاهی سواره،از جاده‏ی مارپیچ بقعه بالا می‏آیند و دور تا دور آن جمع می‏شوند و این فضا را پر از جنب و جوش می‏کنند و گاهی در روزهای خاص و اعیاد،نذری‏های خود را در میان مردم‏ پخش می‏کنند.آمدن به این محل،هم زیارت است و هم سیاحت.

کسانی هم‏چون عبد الحسین نوایی،مری بویس و باستانی پاریزی‏ گمان برده‏اند که ارتباط میان افسانه‏ی شهربانو با شهر ری به واسطه‏ی‏ وجود مکانی مقدس بوده که قبلا به آناهیتا،ایزدبانوی آب‏ها در دین‏ زردشتی تعلق داشته است و به این ترتیب،مردم این منطقه در هیات‏ اسلامی به ستایش این مکان مقدس ادامه داده‏اند،چون آناهیتا عنوان‏ بانو داشته است و احتمالا زیارتگاهی در ری با عنوان شهربانو(بانوی‏ کشور و سرزمین)به او اختصاص یافتهاست.حوضچه‏ی آب مقدس‏ در پای تپه‏های مشرف به زیارتگاه که زیارت‏کنندگان پیش از ورود،به‏ آن متوسل می‏شوند و هم‏چنین وجود قلعه‏ی گبرها در نزدیکی این‏ محل،می‏تواند مؤید این ارتباط باشد.مهرداد بهار بر آن است که اکثر مساجد و امام‏زاده‏های مسلمانان در کنار چشمه‏یی بنا می‏شدند.در یزد،زیارتگاهای مشابه با شهربانو به آن‏ها نسبت داده می‏شود و این داستان‏ پناه دادن کوه یا زمین،خود جنبه‏ی اساسا زردشتی دارد.مری بویس‏ می‏گوید که مزارات یزد نیز در کوه هستند و در زیارتگاه‏های زردشتیان‏ کسی مدفون نیست.زیارتگاه‏های دیگری را نیز به دختران یزدگرد نسبت داده‏اند که در حال فرار از دشمن بوده‏اند.هم چنین در قدیم،در ناحیه‏ی بین النهرین و ایران،پری‏ها و ایزده‏های نباتی فراوانی وجود داشتند که از زمین خارج می‏شدند و دوباره به زمین باز می‏گشتند.البته‏ ادوارد براون این مکان را آتشکده‏ی باستانی می‏داند.

در متون قدیمی از انتساب این بقعه به شهر بانو سخنی نیست، بلکه از خاک سپاری وی در قبرستان بقیع شواهدی وجود دارد.از سده‏ی نهم هجری،این بقعه را به شهربانو نسبت داده‏ند و از سده‏ی‏ سیزدهم در برخی منابع از بقعه‏ی بی‏بی شهربانو نام برده شده است و اعتقادات عامه‏ی مردم،شهربانو را با ری متصل کرده است.

اگر این قول که شهربانو در جایی غیر از ری دفن شده،صحیح باشد، چه اشکالی دارد که در ایران نیز،جایگاهی برای زنده نگه داشتن یاد این‏ بانوی‏گرامی ساخته شود؟مگر نه این است که مقبره و بقعه،در اصل‏ جایی برای حفظ یاد و خاطره‏ی افراد است؟شاهد آن که در هند نیز در شهرهای شیعه نشین،مزارهایی به نام کربلا و نجف با گنبد و بارگاه وجود دارد که زیارتگاه شیعیانی است که امکان سفر به آن عتبات را ندارند.

طبق روایات متعدد،حضرت بی‏بی شهربانو(س)نه تنها مایه‏ی‏ مباهات شیعیان جهان بلکه ما ایرانیان است،چون وجود نورانی نه امام‏ شیعیان از بانویی ایرانی به وجود آمده است.به این ترتیب ائمه‏ی اطهار از امام چهارم به بعد،از سوی مادر به شهربانو انتساب می‏یابند.

منابع

1-امید سالار،محمود،جستارهای شاهنامه‏شناسی،1381،تهران،بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

2-بویس،مری،ترجمه‏ی سیروس نصر اللّه‏زاده،«بی‏بی شهربانو»،یاد بهار، 1376،تهران،آگه.

3-همو،ترجمه‏ی دکتر حسن جوادی،«بی‏بی شهربانو و بانو پارس»،بررسی‏های‏ تاریخی،آبانماه 1346،سال دوم،شماره‏ی 3 و 4

4-بهار،مهرداد،از اسطوره تا تاریخ،381،تهران،چشمه.

5-حلواییان،حسین،عروس آل رسول(ص)،شریعت قم.

6-دایرة المعارف بزرگ اسلامی،ذیل مدخل«بی‏بی شهربانو/بقعه».

7-شاملو،احمد،کتاب کوچه،ذیل مدخل«بی‏بی شهربانو»،تهران،1377،مازیار.

8-عسگری،مسعود،آثار بازمانده از ری،مرداد 1384،اداره‏ی میراث فرهنگی و گردشگری شهرستان ری.

9-فرهنگ فارسی،دکتر محمد معین،ذیل مدخل«بی‏بی شهربانو»،1363.

10-لغت‏نامه‏ی دهخدا،ذیل مدخل«بی‏بی شهربانو»و«شهربانو»،1285-1334.

11-مزداپور،کتایون،زرتشتیان،1382،تهران،دفتر پژوهش‏های فرهنگی.